



جشن صعود تیم ملی به جام جهانی به یک دلیل منطقی لغو شد

علی آبادی به خواسته خود یعنی نابودی فوتبال رسید

تغییراتی در اساسنامه ایجاد کرده بودند که هر کسی بتواند بیاید و به همین دلیل علی کریمی هم آمد و با حضور خود، شجاعتش را نشان داد. به شخصه اعتقادم این است که اگر علی دایی گاندیدا می شد شاید اتفاقات جور دیگری می افتاد.

در فرودگاه فهمیدیم که آقای دادکان را کنار گذاشته اند. البته من همراه تیم ملی به ایران نیامدم اما دکتر برگشت و مصاحبه تندی هم علیه علی آبادی کرده بود. به نظرم علی آبادی هم به خواسته خود که نابود کردن فوتبال بوده، رسید!

دادکان و طالقانی حذف شدند چون بله قربان گونبوندند

فرکی: خانه نشینی علی دایی یعنی فاجعه فوتبال

فاجعه ای در فوتبال رخ داده است، مطمئناً مسائلی پشت این قضیه است که اجازه نمی دهد علی دایی مربیگری کند. او سال ها زحمت کشیده و باید در فوتبال باشد. علی ریاست را دوست ندارد، اما عاشق مربیگری است.

شما فولاد را احیا کردید و با این تیم قهرمان شدید. چرا طی این سال ها فولاد افت و خیز داشته؟

■ هر سؤالی که می پرسید، ذهنم ربط پیدا می کند به حضور مدیران غیرفوتبالی. مشکل فولاد به سلیقه مدیران بی ارتباط نیست. وقتی باشگاهی، عنوانی را به دست می آورد، فصل پیش، من یکی از گزینه های ذوب آهن بودم اما مدیریتی به پیشرفت باید به طور ثابت ادامه داشته باشد. زمان حضور من در فولاد، ده کردی مدیر بود. ده کردی فردی فوتبالی است و مشخصاً تفکراتش با فردی که از بیرون آمده، فرق دارد. همین فصل پیش، من یکی از گزینه های ذوب آهن بودم اما مدیریتی که با من صحبت کرد، جدا شد. تا حالا هم سه بار هیأت مدیره باشگاه عوض شده است. این ساختار ایراد دارد. ممکن است در دنیا برای هر تیمی اتفاق بیفتد که برای مدتی از دوران اوج خود فاصله بگیرد اما یک سال این اتفاق می افتد و تکرار نمی شود ولی در فوتبال برای هر تیمی اتفاق می افتد که این اصلاح خوب نیست.

پرسپولیس همچنین شرایطی داشت و از بدترین جایگاه در جدول به قهرمانی رسید.

■ وقتی برانکو سرمربی پرسپولیس شد، من سرمربی سپاهان بودم. من و برانکو با هم رفیق هستیم و با او صحبت کردم. گفتیم فصل خوبی داریم؛ می دانستیم این تیم در آینده حرف دارد. چون به برانکو اعتماد داشتم و تیم را دیدم به ایشان گفتم موفق می شوید. برای اینکه به برانکو کمک کنم به ایشان گفتم وقتی انتقادی به تو می شود به فکر جواب دادن نباش. او هم به حرم گوش کرد. بالاخره تیم می باز، بیشکوت یک چیزی می گوید. راه پیشرفت این نیست که مربی درگیر این مسائل شود. چون دوستان داشتم که مدیریت داشتم می خواستم نتیجه بگیرد. مدیریت ها باید درست شود.

البته این ایراد به جامعه فوتبال وارد است. وقتی انتخابات فدراسیون انجام شد، هیچ کس غیر از علی کریمی را جامعه فوتبال فوتبالی اشتباه!

■ علی کریمی شجاعت به خرج داد و وارد عمل شد اما شاید عمل آبرو و اعتباری که هر کس جمع می کند، حاضر نیست بر سر خرسش کند. الان قضایی است که اگر سرتیگر را بوی، خیلی مسائل بیرون بیاید. البته شخصاً با کسی ندارم پرونده ام بیرون بیاید اما من نمی خواهم در جایگاهی قرار بگیرم که اگر سرمربی بودم، من فقط به فکراین نیستم که اسمم در جایی به عنوان مدیر یا مسئول باشد اما آبرویم برود. کار مربیگری است و صد سال دیگر هم نمی روم در جایی مدیریت کنم. محمد رویانیا این الان کیاست و وقتی با علی کریمی وارد دعوا شد، به ایشان گفتم شما تازه به فوتبال آمده اید اما علی کریمی در این فوتبال بوده. رویانیا بود که قرارداد های میلیاردی را به فوتبال آورد و خودش هم چوب این تصمیمات را خورد. من وقتی با این چیزها در فوتبال می دانم، دیگر خردم کاری نمی کنم که برایم مشکل ایجاد شود.

همیشه یک مقایسه بین نسل های فوتبال بوده است. همیشه یک تعصبی نسبت به نسل های قبلی فوتبال وجود دارد. شما کدام نسل را بیشتر دوست دارید؟

■ به نظر من در نسل های گذشته، اتفاقات خوب زیاد می افتاد و همه آن نسل را دوست داشتم چون سادگی و سلامت در آنها دیده بودند. در آن موقع، همه چیز سراسر خودش بود. به همین دلیل نسل گذشته را بهتر از نسل جدید می بینم.

همین طور که جو آمدم، همه چیز درگون شد و درگونی اش از نوزد آن موقع بدتر شده است.

آن موقع مدیر برنامه و دلال وجود نداشت اما در فوتبال ما اتفاقاتی می افتد که ذهنت درگیر می شود. هنوز هم حرف قدیمی های حرف غریبه هارقی می کنند. ما هنوز هم احترام بزرگترها را داریم اما در نسل جدید

این مسائل را نمی بینید. منظور ما از نظر فنی بود.

■ مربیان امروزی با فوتبال روز دنیا در ارتباط هستند اما مربیان زمان

ما با همان سطح تفکری که آن موقع بود، کاری می کردند. مثلاً من بازی می کردم مربی هم بودم. یک جور خودجوش کار مربیگری انجام می دادیم. آن موقع کیفیت فنی بازیکنان فرق می کرد و همه کارها را مربی انجام می داد. کار تمرینی، کار فنی، روانشناسی، تغذیه و... در حق مربیان قدیمی اجحاف شد. امروز با آن موقع

فرق دارد اما کیفیت فوتبال همان زمان خیلی بالاتر بود.

از نگاه حرفه ای، وقتی علی دایی در حاشیه قرار بگیرد، فاجعه ای در فوتبال رخ داده است. مطمئناً مسائلی پشت این قضیه است که اجازه نمی دهد علی دایی مربیگری کند. او سال ها زحمت کشیده و باید در فوتبال باشد. علی ریاست را دوست ندارد، اما عاشق کار مربیگری است.

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران

فدراسیون فوتبال ایران



بودند و به جای این گروه، علی آبادی و معاونانش آمدند

و در جایگاه نشستند. این موضوع باعث ناراحتی دادکان

شد. هیأت رئیسه مجبور شد در ده پایین تر بنشیند و از آنجا

بازی را تماشا کنند. آخر بازی هم وقتی دکتر دید کار درست

انجام ندادند، تصمیم گرفت آن جشن برگزار نشود و با

من صحبت کرد که بعد از بازی، بچه ها لباس را بپوشند و

به هتل بروند. ما هم از تصمیم رئیس فدراسیون اطاعت

کردیم و رفتیم هتل. آن روز جشن برگزار نشد و این هم

عاملی شد برای اختلافات بعدی. این موضوعات تمرکز

بازیکنان را به هم ریخت آن هم در شرایطی که ما در آستانه

جام جهانی بودیم. بازیکنان از ماجراهایی که پیش آمد،

به هم ریختند. به هر حال، این مسائل باعث شد تا تیم

آنها شرایط روحی خوبی نداشته باشد.

یعنی این اختلافات به داخل رختکن هم وارد شد؟

■ بازیکنان این مسائل را می دانستند. رفتیم جام

جهانی، سه بازی انجام دادیم و سعی کردیم که مسائل

روحی بچه ها را نیز در نظر بگیریم. البته بچه ها با وجود

مسائل حاشیه ای که پیش آمد، خوب کار کردند. بازی های

جام جهانی که تمام شد، مستقیماً رفتیم به فرودگاه و

از هتلا خیرها شروع شد. به نوعی کنار گذاشتن دکتر

پایه ریزی شد. دکتر در فرودگاه به هم ریخته بود و یک

مقدار هم از دست بعضی بازیکنان ناراحتی. چون آنها

می دانستند بعد از جام جهانی ممکن است، دکتر نباشد.

بعضی از بچه ها کام لطفی کردند و به همین دلیل دادکان

از دست آنها عصبی بود و با همان ناراحتی، به فرودگاه

آمد و به آنها گفت: «موفق باشید». در فرودگاه فهمیدیم

که آقای دادکان را کنار گذاشته اند. البته من همراه تیم ملی

به ایران نیامدم اما دکتر برگشت و مصاحبه تندی هم علیه

علی آبادی کرده بود. به نظرم علی آبادی هم به خواسته

خود که نابود کردن فوتبال بود، رسید. وقتی بازی ها را

بعد از جام جهانی بررسی کردم، فهمیدم بچه ها زحمت

خودشان را کشیدند و نکته اینجا بود که بعد از جام جهانی

برانکو یاد لختوری از تیم جدا شد. به عقیده

من، حق مطلب در مورد برانکو ادا نشد.

بعد از داستان ۲۰۰۶، فوتبال ما تمام شد

و دیگر فوتبال روی ریل خود نیفتاد. به نظر

شما این مسائل برنامه ریزی شده است؟

■ باید شخصی در رأس فدراسیون فوتبال

باشد که علاوه بر داشتن ویژگی های مثبت،

فوتبالی هم باشد. در عین حال مدیریت را

بداند. مطمئناً به این افراد ایراد کمتری

وارد می شود تا یک نفر از عالم سیاست

بیاید در ورزش و کارها را در دست

بگیرد. در این سال ها، چندین رئیس

فدراسیون عوض شد؛ مصطفوی،

نواموز، پهلوان و... که در این میان

افراد می بودند که عملکرد

خوبی نداشتند اما آدم سیاسی هم

مثل صفایی فر اهانی آمد که بیشتر از

چهره های ورزشی خدمت کرد. ایشان

۵ سال در رأس کار بود و در زمان حضورش،

هیچ ریخت و پاشی نداشتیم. ارتباط مان

با کنفدراسیون خیلی خوب بود و مسائل

زیادی تغییر کرد. صفایی فر اهانی تاریخ

لیگ را تغییر داد. سطح کیفی مربیان و وزیر

سیاست حضور داشتند تا ورزشی!

■ البته در این انتخابات آواز جولو

که مدیریت ورزشی کرده هم

شد. تغییراتی در اساسنامه ایجاد کرده بودند

که هر کسی بتواند بیاید و به همین دلیل علی

کریمی هم آمد و با حضور خود، شجاعتش را

نشان داد. به شخصه اعتقادم این است که اگر

علی دایی گاندیدا می شد شاید اتفاقات جور

دیگری می افتاد.

فکر می کنید چرا

افراد مثل علی دایی

نمی آیند؟

■ به خاطر اینکه ما

می دانیم پیش قدم فضا

لایه هایی انجام می شود.

نمونه بارزش انتخاب

علی آبادی است که پیش

از این به شما گفتم. سلیقه

آدم هایی اعمال می شود که

نمی خواهند اتفاقات خوبی

بیفتند و در فوتبال هم تخصصی

ندارند. مشکل ما اینجا است

که شخصی از جنس فوتبال

نداریم. تعدادی از بیشکسوتان

در حال حاضر در قید حیات

نیستند و تعدادی که توانایی

ریاست فدراسیون فوتبال را

دارند، میدانی برای حضورشان

گفت و گو
مهرداد ریاییگی

حسین فرکی چهره سرشناس و دوست داشتی فوتبال ایران

چند روز قبل میهمان تحریریه روزنامه ایران ورزشی بود. او به

این علت که چهره سالم و موجهی دارد، مورد توجع هواداران

فوتبال قرار دارد و از این رو، حرف هایش می تواند راهگشای

فوتبال کشورمان باشد. این مصاحبه جذاب و خواندنی را بدو

مقدمه بیشتر، بخوانید:

قصه حذف آقای دادکان از ورزش کشور چه بود؟

■ از این موضوع مدت ها می گذرد، اما به نظرم در آن

مقطع، انتخاب هایی انجام شد و مثلاً شخص رئیس جمهور،

علی آبادی را آورد که ورزش را اداره کنند. در آن مقطع، ما

نزدیک می شدیم به جام جهانی ۲۰۰۶، حتی در یک مقطع

رئیس جمهور وقت آمد در زمین آزادی و در تمرین ملی پوشان

شرکت کرد که این حرکت رئیس جمهور باعث شد تا اخبار این

کار ایشان در رسانه ها انعکاس گسترده پیدا کند. مشخص بود با

حضور علی آبادی در رأس ورزش ایشان برای این کار و این پست

مناسب نبود چون تخصصی در ورزش نداشت (اتفاقاتی می افتد

و بر داشت من این بود که علی آبادی جایگاهش آنجا نبود. او

دوست داشت آدم هایی در رأس کار باشند که خیلی مرا حمت

برایش ایجاد نکنند و خیلی کاری با تصمیماتی که می گیرد،

نداشته باشند. از آنجایی که آقایان دادکان و طالقانی به عنوان

رئیس در رأس فوتبال و کشتی بودند و به کار خود نیز واقف و

مسلط بودند، علی آبادی با آنها میانه خوبی نداشت. ایشان

روایسی می خواست که خیلی اختلال در کار او ایجاد نکنند و

در حقیقت افرادی را می خواست که از جنس دادکان و طالقانی

نباشند. البته رؤسای دیگر فدراسیون ها شبیه دادکان و طالقانی

نبودند. علی آبادی در آن مقطع می خواست انتخاباتی انجام

دهد که البته شرایط برایش فراهم نبود؛ به همین دلیل شروع

کرد به زدن ساز مخالف با داده درشت ها؛ من آن زمان در کنار

جمع بندی من این است که چون علی آبادی

از جنس این کار نبود، می خواست خودش را به

فوتبال و کشتی تحمیل کند. این دو نفر وزیر سابقه

و انتخاب ایشان نمی رفتند. من در کنار تیم ملی

بودم و دادکان به خاطر دوستی که با من داشت،

کارها را با من هماهنگ می کرد. در آن زمان، حتی

بر داشت من این بود که علی آبادی در چندین مورد

به دادکان اشاره می کرد که برانکو را عوض کند.

یعنی برای جام جهانی مربی دیگری بیاورند؟

■ در مورد جزئیات اطلاع می ندارم، اما باید دکتر

صحت می کردم و می دانستم که حتی در بخش

مدیریت تیم ملی هم می خواستند این اتفاق

بیفتد. دادکان، شاه رخی را مدیر تیم ملی کرده بود

و اعتقاد زیادی به او داشت. شاه رخی هم شخصیت

موجهی بود که نتیجه کار ایشان هم مشخص است.

نظر علی آبادی این بود که شاه رخی را بر دارند.

البته تصور من این بود که علی آبادی با برانکو و

شاه رخی میاورد های دیگر مشکل نداشت بلکه

مشککش با شخص دادکان بود!

منظور این بود که دادکان را طلع سلاح کند؟

■ در حقیقت نظرش این بود، چون تخصصی

در فوتبال نداشت! او فقط می دانست تیم ملی دارد

کارش را انجام می دهد و قرار است به جام جهانی

برود. به همین دلیل است که می خواست دادکان

را حمت فشار قرار دهد که دادکان یا مخالفت کند یا

موافقت. اما دادکان از این آدم ها نبود که تحت تأثیر

موضوعی، نظرش را عوض کند. دکتر اعتقاد داشت

که فدراسیون فوتبال باید تصمیمات مسئول بگیرد.

اوج دهواها به بازی آخر مربوط می شود. قبول

دارید؟